



درس هشتم

*ترجمه متن: الْإِعْتِمَادُ عَلَى النَّفْسِ: اعتماد به نفس

تَخْرُجُ عُصْفُورَةٌ مِنْ عَشْوَاهَا فِي مَزْرَعَةٍ كَبِيرَةٍ وَتَقُولُ لِفِرَاحِهَا: كُنْجَشْكِي اِزْمَزْرَعِي بَزْرُكِي خَارِجِي شُود وَبِه جُوجِه هَايش مي گويد.

يا فِرَاحِي، عَلَيَكُنَّ بِمِرَاقِبَةِ حَرَكَاتِ صَاحِبِ الْمَزْرَعَةِ. مَاذَا يَقُولُ وَيَفْعَلُ؟ اي جُوجِه هاي من بايد مراقب حرکات صاحب مزرعه باشيد. چه مي گويد و چه مي کند.

الْفَرْخُ الْأَوَّلُ: صَاحِبُ الْمَزْرَعَةِ مَعَ جَارِهِ يَذْهَبَانِ إِلَى شَجَرَتَيْنِ وَيَجْلِسَانِ بَيْنَهُمَا: جُوجِه اول: صاحب مزرعه با همسايه اش به طرف دو درخت مي روند و بينشان مي نشينند.

الْفَرْخُ الثَّانِي: زَوْجَةُ صَاحِبِ الْمَزْرَعَةِ وَجَارَتُهَا تَذْهَبَانِ إِلَى نَفْسِ الشَّجَرَتَيْنِ: جُوجِه دوم: زن صاحب مزرعه و همسايه اش به طرف همان دو درخت مي روند.

الْفَرْخُ الثَّلَاثُ: الْجِيرَانُ يُجْلِسُونَ عَلَى الْيَمِينِ. جُوجِه سوم: همسايگان مرد در سمت راست مي نشينند.

الْفَرْخُ الْأَوَّلُ: الْجَارَاتُ يُجْلِسْنَ عَلَى الْيَسَارِ. جُوجِه اول: همسايگان زن در سمت چپ مي نشينند.

الْفَرْخُ الثَّانِي: مَا الْخَبْرُ؟ مَاذَا يَفْعَلُونَ؟ أ هَذِهِ ضِيَافَةٌ؟ جُوجِه دوم: چه خبر است؟ چه کار مي کنند؟ آيا اين مهماني است؟

الْفَرْخُ الثَّلَاثُ: النِّسَاءُ يُجْلِبْنَ الطَّعَامَ وَالْخُبْزَ وَيَجْلِسْنَ جَنْبَ الْمَائِدَةِ. جُوجِه سوم: زنان غذا و نان مي آورند و کنار سفره مي نشينند.

الْفَرْخُ الْأَوَّلُ: الرِّجَالُ يَجْمَعُونَ الْحَطَبَ وَيَجْلِبُونَ الْمَاءَ وَبَعْدَ ذَلِكَ يَلْعَبُونَ. جُوجِه اول: مردان هيزم جمع مي کنند و آب مي آورند و بعد از آن بازی مي کنند.

تَرْجِعُ الْأُمُّ وَتَسْأَلُ فِرَاحِهَا: «مَاذَا حَدَّثَ؟» مادر برمي گردد و از جوجه هاش مي پرسد: چه اتفاقي افتاده است؟

الْفَرْخُ الثَّانِي: صَاحِبُ الْمَزْرَعَةِ طَلَبَ الْمُسَاعَدَةَ مِنْ جِيرَانِهِ لِيَجْمَعَ الْقَمْحَ. عَلَيْنَا بِالْفِرَارِ. جُوجِه دوم: صاحب مزرعه از همسايگانش براي جمع آوري گندم کمک خواست. بايد فرار كنيم.

أُمُّ الْفِرَاحِ: لَا؛ نَحْنُ فِي أَمَانٍ فِي عَشْوَاهَا. مادر جوجه ها: نه، ما در لانه ي مان در امان هستيم.

فِي الْيَوْمِ الثَّانِي تَخْرُجُ الْعُصْفُورَةُ مِنَ الْعَشْوِ وَتَقُولُ لِفِرَاحِهَا: دَرُوزِ دُومِ كُنْجَشْكِي اِزْمَزْرَعِي لَانِه خَارِجِي شُود وَبِه جُوجِه هَايش مي گويد:

عَلَيَكُنَّ بِالمِرَاقِبَةِ؛ إِضَاعَةُ الْفُرْصَةِ عُصَّةٌ. بايد مراقب باشيد. از دست دادن فرصت غم و اندوه است.



بَعْدَ رُجُوعِ الْأُمِّ قَالَ الْفَرَّخُ الثَّلَاثُ: بعد از بازگشت مادر جوجه سوم گفت:

صَاحِبُ الْمَزْرَعَةِ طَلَبَ الْمُسَاعَدَةَ مِنْ أَقْرِبَائِهِ لِجَمْعِ الْمَحْصُولِ. عَلَيْنَا بِالْفَرَارِ. صاحب مزرعه از نزدیکانش برای جمع آوری محصول کمک خواست. باید فرار کنیم.

أُمُّ الْفَرَّاحِ: نَحْنُ فِي أَمَانٍ. مادر جوجه ها: ما در امنیت هستیم.

فِي الْيَوْمِ الثَّلَاثِ: در روز سوم الْفَرَّاحُ: سَمِعْنَا أَنَّ صَاحِبَ الْمَزْرَعَةِ يَقُولُ سَابِقًا بِجَمْعِ الْقَمْحِ بِنَفْسِي غَدًا. جوجه ها: شنیدیم که صاحب مزرعه می گوید فردا خودم جمع آوری گندم را شروع خواهم کرد.

خَافَتْ أُمُّ الْفَرَّاحِ وَقَالَتْ: «الآنَ عَلَيْنَا بِالْمُهَاجَرَةِ» مادر جوجه ها ترسید و گفت: حالا باید (بر ما لازم است) مهاجرت کنیم.

الْفَرَّاحُ يَسْأَلُنَ أُمَّهُ: «لِمَاذَا عَلَيْنَا بِالْمُهَاجَرَةِ؟! هُوَ وَحِيدٌ وَبِلاَ صَدِيقٍ. جوجه ها از مادرشان پرسیدند: چرا باید مهاجرت کنیم؟ او تنها و بدون دوست است!

الْأُمُّ: عِنْدَمَا يَعْتمِدُ الْإِنْسَانُ عَلَى غَيْرِهِ؛ لَا يَفْعَلُ شَيْئًا مُهِمًّا؛ وَ عِنْدَمَا يَعْتمِدُ عَلَى نَفْسِهِ؛ يَقْدِرُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

مادر: هنگامی که انسان بر دیگران اعتماد میکند چیزی مهمی را انجام نمی دهد. و هنگامی که بر خودش اعتماد می کند (تکیه می کند) بر هر چیزی توانا است (قادر است).

صفحه ۸۹

ماذا يَرْفَعْنَ؟

هُنَّ يَرْفَعْنَ جَوَائِزَهُنَّ.

چه چیزی را بالا می برند؟

آنها جایزه هایشان را بالا می برند.

ماذا يَفْعَلُونَ؟

هُمُ يَحْصُدُونَ الْقَمْحَ.

چه کار می کنند؟

آنها گندم جمع می کنند.

أَهُمَا تَكْتُبَانِ فِي الدَّفْتَرِ؟

لا؛ هُمَا تَنْظُرَانِ إِلَى صَوْرَتَيْنِ.

آیا آنها در دفتر می نویسند؟

نه، آنها به دو تصویر نگاه می کنند.

إِلَى أَيْنَ يَذْهَبَانِ؟

هُمَا يَذْهَبَانِ إِلَى بَيْتِهِمَا.

به کجا می روند؟

آنها به خانه ی شان می روند.



*بدانیم - صفحه ۹۰

در درسهای قبل فعلهای اول شخص، دوم شخص و سوم شخص مفرد و همچنین اول شخص و دوم شخص جمع را یاد گرفتیم.

حالا نوبت فعلهای سوم شخص جمع می باشد. همانطوری که قبلا آموختیم، فعلهای مضارع ۴ علامت در ابتدا و ۴ علامت (شناسه) در آخرشان می آید. علامت هایی که در ابتدای مضارع می آید عبارتند از: (أ - ت - ی - ن) و علامت هایی که در آخر فعل های مضارع می آید، عبارتند از: (یَن - ان - ون - ن). البته آخر فعلهای مضارع در چندین مورد هیچ کدام از این علامت هارا ندارند و آخر آنها (ضمه یا همان {ُ}) می آید.

در مثال های صفحه قبل فعل های سوم شخص به ۴ صورت آمده است: ۱- سوم شخص جمع مذکر مثل یذهبون، یکتبون، یخرجون و... یعنی آنها (آن چند فرد مذکر) می روند، می نویسند، خارج می شوند و... ۲- سوم شخص جمع مؤنث مثل یذهبن،

یکتبن، یخرجن و ... یعنی آنها (آن چند مؤنث) می روند، می نویسند، خارج می شوند و ... ۳- سوم شخص مثنای مذکر مثل

یذهبان، یکتبان، یخرجان و ... یعنی آنها (آن دو فرد مذکر) می روند، می نویسند، خارج می شوند و ... ۴- سوم شخص مثنای مؤنث مثل تذهبان، تکتبان، تخرجان و ... یعنی آنها (آن دو فرد مؤنث) می روند، می نویسند، خارج می شوند و ...

پس در هر چهار مورد ترجمه می کنیم؛ آنها یا ایشان می روند، می نویسند، خارج می شوند و ... تفاوتشان در مذکر یا مؤنث بودن همچنین جمع یا مثنی بودن است در حالیکه در ترجمه فارسی هر چهار حالت به یک صورت ترجمه می شود و مادر زبان فارسی فعل مثنی یا فعل مؤنث جداگانه نداریم.

فَنِّ تَرْجَمَه

به دو جمله زیر دقت کنید.

الف) أَنْتُمْ تَعْمَلَانِ جَيِّدًا. شما به خوبی کار می کنید.

ب) هُمَا تَعْمَلَانِ جَيِّدًا. آنها به خوبی کار می کنند.

از کجا بدانیم معنای «تَعْمَلَانِ» چیست؟

مثال الف: مربوط به دوم شخص مثنی و مثال ب: مربوط به سوم شخص مثنای مؤنث است. همان گونه که می بینید برای هر دو از یک فعل (تعملان) استفاده شده است. پس چطور معنی کنیم؟ بگوییم شما دو نفر یا آن دو نفر؟ در این جور موارد فقط در جمله قابل تشخیص هستند و در جمله، مثلا با توجه به ضمیری که وجود دارد ترجمه میکنیم. اگر انتما باشد میگوییم شما می روید. اگر هما باشد میگوییم، آنها می روند. *در این مورد مثالهای صفحه ۹۳ به شما کمک می کند.



کے با توجہ به قاعده‌ای که خواندید؛ این جمله‌ها را ترجمه کنید.

۱. هَاتَانِ الْبِنْتَانِ تَكْتَبَانِ وَاجِبَهُمَا؛ أَأَنْتُمَا تَكْتَبَانِ أَيْضًا؟

این دختران (دو دختر) تکالیفشان را می نویسند؛ آیا شما هم می نویسید؟

۲. هُمَا جَارَتَانِ نَظِيفَتَانِ تَغْسِلَانِ سَاعَةَ الْبَيْتِ. أَأَنْتُمَا تَعْرِفَانِهِمَا؟

این همسایگان (دو همسایه ی) پاکیزه حیاط خانه را می شویند. آیا شما آنها (آن دو) را می شناسید؟

پاسخ تمرین اول: صفحه ۹۱

۱.الف ۲.ب ۳.الف ۴.الف ۵.ب

پاسخ تمرین دوم: صفحه ۹۲

۱. هَانِ قِطْعَا وَعَدَهُ خُذَا حَقٌّ اسْتِ وَ اَمَّا بِيْشْتَرِشَانِ نَمِي دَانَنْدِ. (فَعْلٌ مُضَارِعٌ لَا يَعْلَمُونَ)

۲. اَنْ هَمْسَايَه هَا اَز مَهْمَانِي بَرَمِي گَرْدَنْدِ. (يَرْجِعُونَ)

۳. اَيْنِ دُو كُودَكِ بَيْنِ دَرِخْتَانِ بَازِي مِي كَنْنَنْدِ. (تَلْعَبَانِ)

۴. اَيْنِ دُو كِشَاوَرَزِ دَرِ بَهَارِ بَرَنْجِ مِي كَارَنْدِ. (يَزْرَعَانِ)

پاسخ تمرین سوم: صفحه ۹۲

اَنْ مِجَاهِدَانِ نَامَه هَا رَا مِي نُويسَنْدِ. (يَكْتُبُونَ)

اَيْنِ مِجَاهِدَانِ بَرَايِ يَارِي وَطَنْشَانِ خَدْمَتِ مِي كَنْنَنْدِ. (يَخْدِمُونَ)

چَه چيزِي مِي كَارَنْدِ؟ گَنْدَمِ مِي كَارَنْدِ. (يَزْرَعُونَ)

چَه چيزِي جَمْعِ مِي كَنْنَنْدِ؟ پَرْتَقَالِ جَمْعِ مِي كَنْنَنْدِ. (يَجْمَعَانِ)

پاسخ تمرین چهارم: صفحه ۹۳

رديف اول (برنمی گردند) رديف دوم (می توانند)

رديف سوم (راست می گویند) رديف چهارم (دستور می دهند) رديف پنجم (نگاه نمی کنید)

پاسخ تمرین پنجم: صفحه ۹۳

۱. تَكْتَبَانِ ۲. يَرْجِعُونَ ۳. ذَهَبَا ۴. يَسْأَلْنَ



پاسخ تمرین ششم: صفحه ۹۴

۱- لِلتَّعْلِيمِ ۲- بَعْدَظَهْرٍ ۳- فِي الْبَيْتِ ۴- تِسْعَةَ ۵- نَعَمَ

پاسخ تمرین هفتم: ۹۴

۱. يَحْرُسُونَ ۲. لَا يَكْذِبُ ۳. خَوْفٌ ۴. ضَحَكْتَنَّ ۵. عِنْدَمَا ۶. يَجْلِبُ ۷. جَوَالَاتٍ ۸. أَنْفُسَهُمْ ۹. ضِيَافَةٌ ۱۰. قَبْلَ سَنَةٍ ۱۱. يَتَسَوَّأُ ۱۲. قَافِلَةٌ ۱۳. فِرَاحِي ۱۴. قَمْحٍ ۱۵. فِضَّةٍ ۱۶. سَاجِدٍ ۱۷. غَزْلَانٍ ۱۸. ابْنِ آدَمَ ۱۹. جُنُودٍ ۲۰. وَسَّيْعٍ ۲۱. أَقْرَبَاءٍ

رمز: سَكُوتُ اللِّسَانِ سَلَامَةُ الْإِنْسَانِ: سَكُوتُ زِيَانِ سَلَامَتِي إِنْسَانِ اسْت.

نور السماء: صفحه ۹۶

- ۱- قطعاً من یازده ستاره و خورشید و ماه را دیدم، آنها را سجده کنان در برابرم دیدم.
- ۲- عزت و بزرگی برای خدا و پیامبرش و برای مومنان است اما منافقان نمی دانند.
- ۳- هر کس که در آسمان ها و زمین است غیب را نمی داند جز خدا.
- ۴- مومنان فقط (با هم) برادرند